



شفاف‌سازی فعالیت‌های پرثمر در عرصه کودکان

میزگرد مسئولان و متربیان آموزش کودکان

اشاره

کودکان جوانه‌های نورس‌ته‌ای هستند که به بار نشستن آن‌ها جامعه‌ای سالم و موفق را می‌سازد. اهداف و برنامه‌ریزی صحیح آموزشی و تربیتی برای کودکان نقش ریشه‌هایی را دارد که اگر سست باشند این جوانه‌ها به بار نمی‌نشینند و اگر استحکام کافی داشته باشند تا اوج آسمان قدمی‌کشند، باعث آرامش جامعه می‌شوند، ثمر می‌دهند، افتخار می‌آفرینند. نسل به نسل این آموزش‌ها را منتقل می‌کنند. برای بسیاری از کودکان، دوره پیش‌دبستانی پل ورود به عرصه جامعه است؛ بنابراین در این دوره نحوه رفتار با کودکان، نحوه آموزش و تربیت آن‌ها بسیار مهم است و تأثیری ژرف در آینده آن‌ها و بالطبع، جامعه دارد.

در این شماره، در میزگردی با مسئولان و متخصصان آموزش کودکان، درباره فعالیت‌های انجام شده در حوزه‌های مختلف کودکان، مشکلات و موانع سد راه، وضعیت موجود و برنامه آینده مربیان پیش‌دبستان، شایستگی‌ها و صلاحیت‌های مورد نظر برای یک مربی، اهداف و برنامه دوره پیش‌دبستانی، هماهنگی و هم‌سوایی بخش‌های مختلف با هدف و فعالیت مشترک، سهم پژوهش در هدف‌گذاری و برنامه‌ریزی درسی و... به گفت‌وگو نشستیم. در این میزگرد دکتر فرخنده مفیدی، دکترای آموزش و پرورش و سردبیر مجله رشد پیش‌دبستانی، دکتر فاطمه رضانی، دکترای برنامه‌ریزی آموزش و معاون برنامه‌ریزی دوره پیش‌دبستان و ابتدایی دفتر تألیف کتب درسی، خانم فائزه قدوسی، دانشجوی دکتری برنامه‌ریزی درسی، کارشناس مرکز بهسازی منابع انسانی دانشگاه فرهنگیان، و اعضای هیئت تحریریه مجله رشد پیش‌دبستان حضور داشتند.

مفیدی: هدف اصلی از تشکیل این جلسه اطلاع‌رسانی در مورد فعالیت‌هایی است که حوزه‌های مختلف در مورد کودکان انجام می‌دهند و همه دوستان می‌دانند چه کارهایی با چه نیتی، از کجا شروع و به کجا رسیده‌اند و باید در این باره بیشتر بخوانیم و کارهایی صورت بدهیم که در آینده به یک دید مشترک برسیم. دوستان حاضر در این جلسه از صاحب‌نظران و پیشکسوتان عرصه کودک هستند.

رضانی: برنامه اصلی که اکنون در دفتر تألیف کتب درسی دوره پیش‌دبستانی در حال انجام است، بازنگری برنامه‌های دوره پیش‌دبستانی است که متعاقب چند اتفاق در دفتر رخ می‌دهد. سازمان پژوهش پس از تصویب سند تحول برنامه درسی ملی مکلف شد پیش‌نویس اهداف دوره‌های تحصیلی را فراهم کند تا مطابق معمول در شورای آموزش و پرورش بررسی شود و بعد از تصویب، جایگزین اهداف مصوب سال ۱۳۷۶ گردد. این کار انجام شده و چند ماهی است که این پیش‌نویس‌ها مراحل اعتبارسنجی را طی کرده و طی نامه‌ای برای شورای عالی آموزش و پرورش ارسال شده‌اند که جلسات را هم به وقت لازم برای افراد برگزار خواهد کرد. ان‌شاءالله به محض تصویب، این برنامه سرلوحه همه اقدامات وزارت‌خانه در حوزه‌های مختلف تحصیلی خواهد شد.

در برنامه درسی ملی ما اهداف دوره پیش‌دبستانی را از دوره بعد از آن جدا نکردیم. سفارشی که برنامه درسی ملی داده اهداف دوره عمومی و متوسطه است که سفارش داده شده و در شش بخش تدوین گردیده است. طبق پیش‌بینی سند تحول، چهار دوره تحصیلی «اول و دوم ابتدایی»، «اول و دوم متوسطه» در نظر گرفته شده و اهداف هم در چهار دوره نگاشته شده است.



به شورای عالی آموزش و پرورش ارسال خواهد شد که در این صورت، جایگزین راهنمای برنامه فعلی می‌شود.

غیر از اهداف جدید، مؤلفه‌هایی که قرار است روی آن‌ها کار شود، شبیه همان مؤلفه‌هایی است که اکنون در راهنمای برنامه درسی وجود دارد. بحث‌هایی با این موضوع که ما برای کودکان چهار سال چه اقداماتی می‌توانیم داشته باشیم. هر چند در برنامه قبلی اشاره شده بود که طبق اساسنامه، دوره پیش‌دبستانی وزارت آموزش و پرورش یک دوره دوساله برای چهارساله‌ها و پنج‌ساله‌هاست.

اهداف کنونی که برای دوره‌های تحصیلی در شش ساحت مشخص شده است. در سه سطح‌اند که اگر برنامه پیش‌دبستان هم بتواند این سطح‌بندی را داشته باشد، به بخشی از نیازهای ما پاسخ داده می‌شود. چون از حیث هماهنگی برنامه با دوره‌های دیگر، در دوره پیش‌دبستانی باید اهداف را دست‌کم در سه سطح مشخص کنیم تا مطابق با بقیه مؤلفه‌ها نمود پیدا کند و بعد از آن، در تولید محتوا به ترتیب سطح‌بندی انجام شده پیش برویم.

تهرانی: راهنمای برنامه درسی دوره پیش‌دبستانی از قبل نوشته شده و به جد، برنامه درسی ملی جزء معدود برنامه‌هایی است که خیلی کامل نوشته شده است. آیا بازنگری اهداف بر مبنای سند تحول و برنامه درسی ملی است و این تغییرات خیلی بنیادین است یا بیشتر نقش تطبیقی دارد؟

رمضانی: این تغییرات بیشتر نقش تطبیقی دارند که البته مبنای علاوه بر سند تحول بنیادی، اسناد دیگری هم بوده است. ما ابتدای کار بر این بودیم که هر مقدار تغییری که برنامه لازم دارد، روی آن اعمال کنیم تا با اسناد همخوان و هماهنگ شود اما اکنون که کار به انتها رسیده است و به زودی پیش‌نویس آن به دفتر ارائه خواهد شد، می‌توان گفت که این تغییرات بیشتر حکم مطابقت دادن با برنامه درسی ملی را دارند. این نکته‌ای بود که بعد از کار آشکار شد و طبق تکلیفی که شورای عالی آموزش و پرورش به سازمان داشت، بعد از سه سال اجرای برنامه باید نتایج اجرا بررسی

رمضانی:
اهداف
کنونی
که برای
دوره‌های
تحصیلی در
شش ساحت
مشخص شده
است. در سه
سطح‌اند که
اگر برنامه
پیش‌دبستان
هم بتواند
این
سطح‌بندی را
داشته باشد،
به بخشی از
نیازهای ما
پاسخ داده
می‌شود

اهداف پایان دوره اول ابتدایی شامل اهداف دوره پیش‌دبستانی هم می‌شود. روال کار این‌طور پیش‌بینی شده که طبق تصویب برنامه درسی ملی پیش‌نویس اهداف حوزه‌های یازده‌گانه یادگیری توسط سازمان پژوهش تهیه شود و به شورای عالی ارسال گردد (این کار در دفتر تألیف رو به اتمام است). بعضی حوزه‌ها از نظر دفتر دوره پیش‌دبستانی اهدافشان به‌طور نسبی نهایی شده است و بعضی هم مشغول رفت‌وآمدهایی هستند که صورت نهایی را پیدا کنند. در این فهرست هم دوره پیش‌دبستانی و دوره اول ابتدایی تا انتها مشخص شده است و راهنمای مصوب دارد. این پروژه یک سال است به گروه پیش‌دبستانی سپرده شده تا راهنمای برنامه درسی مطابق با اهداف و تغییراتی که صورت گرفته است، بازنگری شود. در این مورد، دوستان دوره پیش‌دبستانی پیش‌نویس را در مورد اهداف تهیه کرده‌اند و مؤلفه‌های دیگری که این راهنمای برنامه خواهد داشت، طبق چارچوبی که دفتر حدود دو سال پیش تهیه کرده، مشخص شده است که بعد از اینکه اهداف در شورای دوره پیش‌دبستان نهایی و مصوب شد، پیش‌نویس بقیه مؤلفه‌ها هم آماده خواهد شد و طی برنامه‌ای که دفتر مشخص کرده، ابتدا در شورای پیش‌دبستان مصوب خواهد شد و مراحل اعتباربخشی را خواهد گذراند و بعد از آن برای بررسی



دوره پیش‌دبستانی این بود که مبدا قالب آن شبیه مواد درسی شود و اینکه حتی اگر تغییر به این شکل اتفاق بیفتد، می‌تواند نقص‌هایی را که همیشه در این زمینه دیده‌ایم برطرف کند یا نه. این دغدغه‌ها همیشه در دوره پیش‌دبستان وجود داشته و اکنون ما این مجوز را داریم که اصراری به قالب درسی در این حوزه نداشته باشیم و با این رویکرد می‌توان برخی نگرانی‌های برحق گروه پیش‌دبستانی را کاهش داد.

مجدفر: آیا تأکید بر جداسازی دوره پیش‌دبستانی «اول و دوم» یا «چهارساله‌ها و پنج‌ساله‌ها» به نوعی هل دادن برنامه درسی پیش‌دبستان به سمت برنامه درسی تجویزی است؟ وقتی پایه را مشخص می‌کنید، مجبورید تفکیک پایه‌ای ایجاد کنید و آموزش‌ها را در جای مشخصی جای دهید؛ در حالی که این آموزش‌ها حالت طیف‌گونه دارند. نظر شما نسبت به سوق‌دهی دوره پیش‌دبستانی به برنامه درسی تجویزی چیست؟ ویژگی مثبت این برنامه این است که در حد اهداف و روش‌هاست و وارد محتوا نمی‌شود و با نظارتی که برای خودش پیش‌بینی می‌کند، آزادی عمل محتوا را به استان‌ها و مدارس واگذار می‌کند. این تناسب بین برنامه درسی اختیاری و برنامه درسی تجویزی و برنامه درسی ترکیبی را چگونه دیده‌اید؟

رضانی: هنوز در این باره تصمیم نهایی گرفته نشده است اما اعتقاد دارم که این ویژگی برنامه درسی پیش‌دبستانی را نه تنها باید حفظ کنیم بلکه باید دوره‌های تحصیلی بعدی تا پایان دوره اول ابتدایی را طوری تدوین کنیم که همه هم و غم مدرسه، معلمان و والدین به جای مواد درسی، اهدافی بشود که برای دوره قائل هستیم. این اهداف، اهداف رشدی هستند که حقی که کودک قرار است به آن برسد، نه آن چیزی که ما برای او تعیین و به او تحمیل می‌کنیم که به جد، دفتر چنین قصدی ندارد. طی مذاکراتی که صورت می‌گیرد و در آن اهداف و مؤلفه‌ها بازنگری می‌شوند، اگر گاهی به دلیلی روند کار به سمتی برود که نگرانی ایجاد کند، همه سعی می‌کنیم روند را تغییر دهیم و طبیعی است که برای دوره پیش‌دبستان نمی‌خواهیم این اتفاق بیفتد. شاید یکی از شواهد برای دوره پیش‌دبستان و دوره‌های تحصیلی دیگر، سه سطحی نوشته شدن اهداف باشد که این اعتقاد وجود دارد که یک نقطه واحدی وجود ندارد که ما بخواهیم همه بچه‌ها را به آن سمت ببریم و بگوییم همه باید در یک دوره زمانی ثابت به یک نقطه برسند و هیچ کم و زیادی ندارد.

حتی اگر الان برای دوره اول ابتدایی سفارشی به دفتر داده شود که از طراحی و اجرای آن موفق بیرون بیاوریم، شاید آنجا هم مرزهای بین توانایی‌هایی که باید در طی دوره بچه‌ها به دست بیاورند، مرزهای شناور و منعطفی شوند و دیواره‌های

رضانی، ویژگی برنامه درسی پیش‌دبستانی را نه تنها باید حفظ کنیم بلکه باید دوره‌های تحصیلی بعدی تا پایان دوره اول ابتدایی را طوری تدوین کنیم که همه هم و غم مدرسه، معلمان و والدین به جای مواد درسی، اهدافی بشود که برای دوره قائل هستیم

و بازنگری شود. نظرخواهی از جمعی افراد مرتبط با دوره پیش‌دبستان گویای این بود این برنامه به بازنگری اساسی نیاز ندارد و همه جوانب در آن دیده شده و کمتر نکته‌ای موجود بود که به تغییر بنیادین نیاز داشته باشد. یکی از تغییراتی که اتفاق افتاد، نگارش اهداف در قالب شایستگی‌محور بود که این قالب را دفتر تألیف و سازمان پژوهش پیش‌بینی کرده‌اند و برای اهداف از دوره‌ها تا حوزه‌ها و بعد از آن برای تولید محتوا باید انجام شود. طبق فرمایش آقای طاهری در مورد نوشته شدن اهداف در قالب ساحت‌ها و حوزه‌ها باید بگوییم حتی اگر نسبت به این حوزه‌ها بی‌نظر باشیم و خودمان را به اسناد بسپاریم و ببینیم نگارش این اهداف در کدام قالب به ما این امکان را می‌دهد که خودمان را با آن اسناد هماهنگ کنیم، شاید خیلی لازم نباشد که این قالب را تنگ ببینیم؛ چون دوره پیش‌دبستان، هم معایب و هم محاسنی دارد که اصراری بر آن نیست که در قالب‌هایی برده شود. برای مثال، حوزه‌های یادگیری، روزگاری دغدغه خاطر

تنگ کتاب درسی پایه اول یا دوم که بچه‌ها باید به تسلط بر محتوا برسند تا جایی که جامعه و حوزه اجرا امکان داشته باشد، برداشته شود که مسلماً در دوره پیش‌دبستان این امکان را بیشتر داریم. کما اینکه نظری معطوف بر مشخص‌تر شدن این اتفاق در دوره پیش‌دبستانی نداریم. از طرفی، مشخص شدن اهداف به این معنی نیست که ما فقط یک راه داریم که این اهداف و محتوای چهارساله‌ها و پنج‌ساله‌ها را از هم تفکیک کنیم. می‌خواهیم این اهداف مشخص‌تر شوند اما الزاماً نه به این تعبیر که روی آن‌ها بیاوریم «اهداف پایان چهارسالگی و اهداف پایان پنج‌سالگی». فرصت هست که روی این موضوع بیشتر تأمل کرد اما این موضوع به‌عنوان یک اصل پذیرفته شده است و بعید می‌دانم شورای گروه پیش‌دبستانی هم مخالفتی با این موضوع داشته باشد.

مفیدی: با توجه به صحبت‌های فعلی، سؤال‌های متعددی مطرح می‌شود که بهتر است در اینجا بر آن‌ها تأملی داشته باشیم. ما در جلسات متعددی که حضور داشتیم از شما شنیدیم که اهداف و محتوا تعیین، آماده، مصوب، اعتباربخشی و جایگزین برنامه درسی خواهد شد که این مراحل، برنامه‌ریزی می‌خواهد. چه کسانی قرار است این موارد را مشخص کنند؟ مگر گروه پیش‌دبستانی موظف نیست به این امور بپردازد؟ چند درصد این کارها را شما پوشش داده‌اید و این درخت چه وقت قرار است بار بگیرد؟ سؤال دیگر اینکه به درجه کامل بودن کتاب درسی (کتاب سبز) دوره پیش‌دبستان در گروه پیش‌دبستانی نقص‌هایی وارد است و با این نگاه مورد نقد و بررسی قرار گرفته است. انتظاری که می‌رود این است که اگر قرار است این برنامه به‌عنوان مرجعی مورد استفاده قرار گیرد، عاری از نقص باشد تا بتواند جایگزین برنامه قبلی شود. این‌ها تراوشات ذهنی و نگاه خوبی است که همه در گروه پیش‌دبستانی داشته‌اند و چقدر خوب است که یک سند مرجع دارید، اما بررسی‌ها نشان داده است که گاه افراط و تفریط در آن وجود دارد و گاه استانداردی برای شکل‌دهی برنامه وجود ندارد.

موضوع بعدی این است که ما قرار است هر برنامه‌ای که تنظیم می‌کنیم منعکس‌کننده کار برای کودکان ایرانی باشد و از آن بفهمیم که ویژگی برنامه کار برای کودکان ایرانی چیست؟ هدف‌های تربیتی انسان هدف‌های دور از ذهنی نیستند و نیاز به کشف ندارند. خیلی چیزها شکل گرفته و اصولی شده است. حال که قرار است برای کودک ایرانی کار کنیم، کسی که کار را ورق می‌زند و ویتترین کار را می‌بیند باید درک کند که ایرانی‌ها شدن صورت گرفته است. شما ایرانی بودن

این برنامه را که دارای ویژگی فرهنگی – اسلامی باشد، چگونه نگاه می‌کنید و چند درصد آن را باید این‌گونه نگاه کرد؟ سؤال بعدی این است که شما دوستان خود را تنها مرجع و منبع تصمیم‌گیری در این قسمت می‌دانید یا اعتقاد دارید دیگران هم باید کار کنند و از طرف شما مأمور و مجازند؟

رمضانی: این را باید مد نظر داشت که نه فقط در دوره پیش‌دبستان بلکه در همه دوره‌ها، این تکلیف سنگین به سازمان پژوهش سپرده شده است. سال ۱۳۹۰ که برنامه درسی ملی ابلاغ شد، در آن آمده بود که اهداف دوره تحصیلی به تفکیک بخش‌ها و حوزه‌ها طی شش ماه باید به شورای عالی ارسال شود. از آن تاریخ، شش ماه‌های بسیاری گذشته است. با وجود اینکه سازمان از همان روز اول دست به انجام آن برده است، پیدا کردن این راه نرفته بسیار دشوار بود. ما هیچ‌وقت اسناد بالادستی را که همه اسناد از آن‌ها منشأ گرفته است، به این شکل نداشتیم. دور قبل که اهداف دوره تحصیلی نوشته شده روال آن مشخص است. ما بخشی داریم به‌عنوان «اهداف کلی آموزش و پرورش» که «اهداف دوره‌ها» به دنبال آن می‌آید. انتظاری که می‌رود این است که اهداف دوره‌ها با اهداف کلی نسبت داشته باشند ولی گاهی این‌طور نیست. بارها این کارها طی سال‌ها از طریق بخش‌های مختلف وزارتخانه انجام شده است تا بررسی کنند که آیا تمام اهداف دوره‌های تحصیلی پوشش‌دهنده اهداف کلی هستند یا خیر. کدام‌یک از این اهداف قرار است هدف کلی را مورد پوشش قرار دهد، وقتی هیچ یادی از آن نشده است؟ موارد بسیاری از این قبیل در اسناد قابل ملاحظه است. بنابراین، این یک کار فوق‌العاده تازه بود و پیدا کردن روش انجام کار با وجود مشخص بودن اسناد بالادستی و به‌کارگیری موردی آن کار سختی بود؛ چون نمی‌دانستیم با چه روشی باید کار کنیم که واقعاً نماینده و برآمده از آن اسناد باشد. مدت‌ها زمان صرف این کردیم که روش و سپس راه‌های امتحان کردن آن را بیابیم. بارها روی روشی کار می‌شد و به اسناد تحول بنیادی کاملاً وفادار بودیم که در جایی

مفیدی: حال که قرار است برای کودک ایرانی کار کنیم، کسی که کار را ورق می‌زند و ویتترین کار را می‌بیند باید درک کند که ایرانی‌ها شدن صورت گرفته است

می‌دیدیم دیگر با اطمینان نمی‌توان جلو رفت و به ناچار مسیر را تغییر می‌دادیم. طولانی شدن آن به این دلایل است؛ طوری که کار همچنان ادامه دارد و همه موافق‌اند که باید به آن زمان داد تا اطمینان کافی در آن حاصل شود. ضمن اینکه وقتی کار را انجام می‌دادیم، بعضی نیازها و کمبودها خودشان را نشان می‌دادند. ما امروز سعی کرده‌ایم مطلبی را با عنوان مأموریت هر یک از دوره‌های تحصیلی تدارک ببینیم. بنابراین، وقتی می‌خواهیم روی اهداف کار کنیم، اولین سؤال این است که دوره پیش‌دبستانی چه کاری قرار است انجام دهد. یک روزی ما می‌دانستیم دوره راهنمایی ما قرار است استعدادها را شناسایی کند و بچه‌ها را برای دوره تحصیلی بعدی هدایت کند که کدام رشته را انتخاب کنند که استعدادشان شکوفا شود. آیا اکنون هم دوره اول متوسطه چنین کارکردی دارد؟ زمانی دوره ابتدایی هدفش خواندن، نوشتن و حساب کردن بود. آیا الان هم مأموریت دوره اول و دوم ابتدایی همین است؟ اگر هست باید اصلاح شود و اگر نه، باید معلوم شود که چه مأموریتی دارد. این موضوعات، کار را به تعویق می‌انداخت. در حین کار سؤالی پیش می‌آید که پاسخ آن در اسناد نیست و به ناچار برای جواب به این نیاز باید تدارکاتی دیده می‌شود. با توجه به اینکه اهداف دوره‌ها دو مرحله اعتباربخشی را با حضور اعضای شورای عالی، نمایندگان وزارت خانه، وزارت ارشاد و آموزش عالی پشت سر گذاشته‌اند، فکر می‌کنم استحکام این اسناد هم از لحاظ اسناد بالادستی و هم وظیفه و نقشی که باید در هدایت اعمال و فعالیت‌های آن دوره تحصیلی صورت گیرد، تا حد زیادی برقرار است.

برای این سؤال که آیا این تکلیف برعهده سازمان است یا بخش‌های دیگر هم در این کار شریک‌اند، جواب این است که تهیه پیش‌نویس هر یک از آن‌ها طبق برنامه درسی ملی با سازمان پژوهش است اما هم در تدوین و هم در مراحل اعتباربخشی بخش‌های مرتبط و مختلف نقش خودشان را ایفا می‌کنند که در مرحله بعد که وارد دوره‌ها شود، این بخش‌ها بتوانند بهره خودشان را ببرند.

مفیدی: در حوزه‌ها، دانشگاه‌ها و مؤسسات دیگر هم اکنون کارهایی برای کودکان پیش از دبستان صورت می‌گیرد و برنامه‌هایی تنظیم شده یا در حال شکل‌پذیری است؛ آیا شما آگاه هستید که چه بخش‌هایی چه نوع کارهایی انجام می‌دهند؟ اگر در «برنامه‌ریزی دوره پیش‌دبستانی» شما بالاترین مرجع هستید و مأموریتی از شورای عالی دارید، چه نگاهی نسبت به کارهای دیگران دارید؟ چنانچه گروه شما از فعالیت‌های دیگر اطلاعی ندارد، تا چقدر مجازشان می‌دانید که کارهایشان را ارائه دهند؟ به هر حال، کارهای خوبی ممکن است در دیگر حوزه‌ها صورت بگیرد و شما هم از آن‌ها مطلع نباشید. آیا باید مطلع می‌بودید و نبودید؟ آیا فقط باید منتظر به انجام رسیدن کارهای شما باشند؟

مجددفر: یکی از آسیب‌هایی که این روند طی چند سال گذشته، داشته و نمونه بارز آن در سند تحول موجود است، این است که گروهی این سند را تنظیم کردند و سپس، سند توسط مراجع بالاتر دگرگون و به چیز دیگری تبدیل شد. گاهی یک حرف طی یک جلسه کلیت کار را تحت الشعاع قرار می‌دهد و تصمیماتی که گرفته شده است را تغییر می‌دهد. به عنوان مثال، کاری که در چندین ماه انجام شده است، با یک جلسه و یک فکر عوض می‌شود.

رضانی: از این موضوع نمی‌توان گریز داشت. تا زمانی که این اسناد که به نمایندگی سازمان پژوهش به دفتر تألیف تکلیف شده است در مرحله تولید بودند یک برنامه برای تولید سند تحول و بعد از آن، تولید برنامه ملی وجود داشت و از آنجا به بعد تکلیفی که به دوش افراد بود آن‌ها را بر آن داشت که از سند تحول رهنمودهایی برای کار استخراج کنند و به کار ببندند و با توجه به تأخیر در کار بخش‌های دیگر فکر می‌کنند که با نیاز زمین مانده‌شان چه کنند. اکنون حدود دوازده سال است که تولید محتوا برای دوره پیش‌دبستان طبق آیین‌نامه‌ها و بخشنامه‌های سازمان پژوهش و دفتر تألیف در حال انجام است. از وقتی این راهنما مصوب شد، با قوت قانونی بیشتری این امر در حال انجام است و همه ما می‌دانیم که چه در روش و چه در نتیجه محتاج بازنگری جدی هستیم اما این کار را ما نمی‌توانیم انجام دهیم. سال‌هاست می‌دانیم باید تغییر کند ولی تا زمانی که راهنمای دوره پیش‌دبستان بازنگری نشود و مراحل قانونی برای مصوب شدن را طی نکنند، ما نمی‌توانیم رسماً این کار را انجام دهیم. در گوشه و کنار با استان‌ها، در گفت‌وگوها و مذاکرات حضوری سعی خودمان را می‌کنیم اما اینکه راهنما صورت قانونی پیدا کند و بخشنامه بشود و جایگزین بخشنامه فعلی شود، صورت بهتری دارد. این امر بعدی نیست که بخش‌های مختلف مطابق با

رضانی:
تهیه
پیش‌نویس
هر یک از
آن‌ها طبق
برنامه
درسی ملی
با سازمان
پژوهش
است اما هم
در تدوین
و هم در
مراحل
اعتباربخشی
بخش‌های
مرتبط و
مختلف نقش
خودشان را
ایفا می‌کنند

نیازهایشان نمی‌توانند انتظار اسناد را بکشند و رفع نیاز را به تعویق بیندازند، به اقداماتی دست بزنند و مطابق اسناد بالادستی سعی کنند در اسناد تغییراتی را اعمال و اجرا کنند. این مسئله را من در بخش خودمان هم لمس کرده‌ام؛ با وجود اینکه طبق تأیید برنامه درسی ملی باید اول این برنامه مصوب و سرلوحه باقی اعمال از قبیل وظایف آموزش و وظایف بخش اعتبارسنجی شود.

مفیدی: روال برنامه‌ریزی در دنیا این است که کار با شور و مشورت و براساس پیشینه تحقیقی و پژوهشی انجام می‌شود و تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی براساس تحقیق صورت می‌گیرد. کار بر مبنای پژوهش‌های متعدد و بر پایه علم داخلی و خارجی آغاز می‌شود و براساس آن به سؤالات پاسخ داده می‌شود که چون مستند است، مشکلات کمتری دارد. آیا شما با روند پژوهشی مستند و پیشینه علمی کار را دنبال کرده‌اید؟ آیا بودجه کافی برای کارهای پژوهشی در این برنامه در نظر گرفته شده است؟

رمضانی: تحقیقات باید با قوانین تربیتی کشور بخواند. قوانین تربیتی هر کشور با آداب و فلسفه آموزش و پرورش آن کشور مرتبط است و ما نمی‌توانیم از این قوانین کپی برداری کنیم. یکی از مشکلات ما در این راستا این است که ما از فرهنگ خودمان چنین فلسفه‌هایی را مدون نکردیم. در مرحله تولید و برنامه‌ریزی برای این اسناد، ما خوشحال بودیم که قرار است سندی تولید گردد که تمام این تصمیم‌گیری‌ها به آن وصل شود.

ما ارزشیابی پیشرفت تحصیلی را در دوره ابتدایی تغییر دادیم اما باقی عوامل تغییر نکرده است و بنابراین، می‌بینیم که نه تنها به نتیجه نرسیده است، بلکه نظرهای مخالف بسیاری هم دارد. مسائلی که ما با اصل آن موافقیم و با تولید آن می‌دانیم به منبعی وصل هستیم و چون راه درستی را پیموده است، می‌توانیم با آن کار درست را انجام دهیم و وقت زیادی هم نداریم. به دلیل بافت کشور، رفت‌وآمد دولت‌ها خیلی زود مهرشان را در پیاده‌شدن اسناد خواهند زد. بنابراین، وقت آن قدر وسیع نیست که بتوانیم سی سال روی آن وقت بگذاریم تا سند تولید و اجرا کنیم. این سند به ششصد پژوهش و از روز نخست به افراد متخصص وصل است. برنامه درسی ملی و برنامه سند ملی پژوهش‌هایی پیش‌بینی کرده بود که چون اسناد و مدارک آن موجود بود و برنامه‌ای برای تدوین وجود داشت، خطاهای ۱۰ درصدی را به‌عنوان کار اول می‌توان مجاز دید. به هر حال، در حین کار دیده می‌شود که این اسناد باید تعریف خودشان را از یادگیری، تعریف ارزشیابی تحصیلی و... اعلام می‌کردند و نکرده‌اند. ما این نقص‌ها را می‌بینیم ولی دلیل آن‌ها را ناقص بودن کار نمی‌بینیم. تجربه اول بوده و فکر می‌کردیم

که تعریف یادگیری را می‌دانیم اما امروزه در این باره به مشکل برمی‌خوریم. خوشبختانه امروزه مشکل زمان ما را وادار نمی‌کند که واقعیت‌ها را ندیده بگیریم و سند تولید کنیم. پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش یکی دو سالی است که مأمور شده است کلیدواژه‌های سند تحول را که به تغییر نیاز دارند، تدوین کند. یکی از سؤالات ما این بود که وقتی سند تحول می‌گوید هدف نظام آموزش رسمی تحقق مراتبی از حیات طیبه فارغ‌التحصیلان است، این مراتب چه چیزهایی است و پیوستار رشد آن چیست؟ یک انسان این فرایند را در کجای پیوستار می‌بیند و با چه تعریفی به آن می‌رسد و قرار است از کجا خارج شود؟ طبیعتاً در روز اول چنین چیزهایی در برنامه‌ریزی کلان پیش‌بینی نشده بود که اگر شده بود، قطعاً کار مستحکم‌تر بود و نتیجه قابل حمایت و کار مطمئن‌تر و ناهماهنگی کمتر بود.

در دو سه سال اخیر، این مسیر با بصیرت بیشتری پیش می‌رود و روش‌ها روش‌های علمی قابل دفاع است و به دنبال آن نتیجه بهتری خواهد داد. حتی اگر مجبور باشیم تغییری در آن ایجاد کنیم، چون راه را یافته‌ایم و واجد تجربه و شرایط جدید هستیم راحت‌تر مسیر را ادامه می‌دهیم.

قدوسی: یکی از مأموریت‌های دانشگاه فرهنگیان این است که بر بهسازی منابع انسانی وزارت آموزش و پرورش متمرکز باشد. یکی از بخش‌ها معاونت آموزشی دانشگاه فرهنگیان است که مسئول تدوین، اجرا و ارزیابی دوره‌های آموزشی بدو خدمت و دوره‌های برگزار شده است. دفتر پیش‌دبستان

قدوسی: یکی از مأموریت‌های دانشگاه فرهنگیان این است که بر بهسازی منابع انسانی وزارت آموزش و پرورش متمرکز باشد

فائزه قدوسی



از دانشگاه فرهنگیان خواست که با همکاری هیئت‌های مختلف وضعیت مربیان این حوزه را ساماندهی کنند، بانک اطلاعاتی کاملی از آن‌ها تهیه شود و البته در راستای توانمندسازی و ارتقای آن‌ها برنامه منسجم و کاملی با استفاده از تمامی آرا و نظرات به اجرا برسد. جلسات بر پایه منابع در دسترس ابتدایی و بررسی‌های ابتدایی بوده است. مطالعات ابتدایی به این نحو بود که اساس نامه و اهداف پیش‌دبستانی و اسناد و مدارک به‌روز در این مرکز مورد مطالعه قرار گرفت تا اساس و چارچوب کار بسته شود که در دنیا برای توانمندسازی مربیان چه کارهایی انجام می‌شود و ما چگونه باید این سامان‌بخشی را در چارچوب خودمان انجام دهیم. در نظر گرفته شد که دوره‌ای به سفارش دفتر پیش‌دبستانی در دانشگاه و پردیس‌های سراسر کشور برگزار شود و کمترین چالش را برای وزارت‌خانه و دفتر ایجاد کند. مطالعات اولیه بر پایه ویژگی‌ها و صلاحیت‌ها و مجموعه شایستگی‌های یک مربی پیش‌دبستان انجام شد.

در ابتدای کار در نظر بود که درجه‌بندی برای مربیان صورت گیرد و بر مبنای آن، سه مرحله برای رسیدن به شایستگی برتر یک مربی ایده‌آل و اعطای گواهی درجه ۳، ۲، ۱ در نظر گرفته شد. ۱۴ نفر از جمله مدیر پیش‌دبستان و مربی پیش‌دبستان و استادان برجسته این حوزه، پژوهشگرانی که در این حوزه کار کرده بودند، افرادی که در مؤسسات خصوصی در مورد صلاحیت‌ها برای نهادهای مختلف کار می‌کنند و از نظر تعاملی و رفتاری موضوع را می‌سنجند، نمایندگان دفتر پیش‌دبستانی... به گونه‌ای دغدغه‌مند حضور به هم رساندند و جلسات را با مجموعه‌ای از مطالعات اولیه برگزار کردند تا آن‌ها را شکل و فرم بدهند و با تعامل این گروه، مرجعی شکل بگیرد که از کنار آن کودک بلند شود. شایستگی‌های اولیه، مؤلفه‌های شایستگی و توصیفات شایستگی ویرایش شد و در مرحله بعد، جزئیات مورد پژوهش قرار گرفت و مبنای ارزیابی و آموزش و محتوای آموزشی مربیان شد. طبق سفارش، این پژوهش‌ها در سه بخش برای سه دوره آموزشی دسته‌بندی

قدوسی:
نگرش‌ها
خیلی ضعیف
است و با
پشتوانه
ضعیفی که
مربیان ما
دارند، قاعدتاً
انگیزه‌کار
درست انجام
دادن را
ندارند

شد و برای هر دوره این شایستگی‌ها در سه درجه و برای هر درجه دروس و محتوا تعریف شد. این کار اکنون در مرحله نهایی است و محتوای نهایی و سرفصل دروس براساس روال دانشگاه، به‌عنوان پیمانکار این پروژه، معماری و بازرگری می‌شود. در این پروژه با سه سوبه‌سازی، استفاده از منابع و افراد مختلف سعی شده است قالب یکی باشد و یکدست شدن انجام شود؛ با امید به اینکه به مرحله اجرا برسد.

مفیدی: شفاف‌سازی اهداف شکل گرفته پروژه‌ای را که دفتر پیش‌دبستان به شما سپرده شده است، چه کسی حمایت می‌کند؟ درباره محتوای دروس پیش‌دبستانی توضیحات بیشتری بدهید و بفرمایید آیا قرار است بر این اساس کتاب‌هایی تولید شود؟ چه کسانی قرار است کتاب‌ها را تولید کنند؟

خانم قدوسی: سرفصل‌ها تشکیل شده از اینکه هدف از این درس چیست و به چه نحوی باید تدریس شود، چه محتوایی دارد و هر محتوا چه تمرین‌هایی دارد. روند کار ما این‌گونه بود که تا جایی که امکان دارد، رویکرد دانشی نداشته باشیم و تمام درس‌ها کارگاهی و مهارتی باشند و در نگرش و مهارت تمرکز کنند. از تکرار مکررات بپرهیزیم و کاری نو و کاربردی ارائه دهیم و مشکلاتی را که امروزه مربیان با آن دست به گریبان‌اند، حل کنیم.

در حال حاضر، تصمیمی مبنی بر اینکه برای هر سرفصل کتابی نوشته شود وجود ندارد؛ مگر در بازایی نهایی که آن قدر سرفصل ضعیف باشد که نویسنده درخصوص آن محتوای کتاب و منبع مناسبی نیابد و نتواند به چیزی اتکا کند و ناچار به سفارش کتاب شویم.

مفیدی: آیا گروهی که در این پروژه فعالیت دارند، مطلع‌اند که جایی مثل دفتر تألیف کتب درسی، مسئولیت تألیف کتاب برای معلمان را دارد و آیا این هماهنگی با آن‌ها صورت گرفته است؟

خانم قدوسی: در مورد هماهنگی با این دفتر باید گفت که یکی از افراد این گروه از ابتدای کار از استادان دفتر تألیف بودند که مسلماً این هماهنگی در اثربخشی کار بیشتر کمک می‌کند ولی گروه ما قرار نبود وارد محتوا بشود. کسانی که به نوشته شدن کتاب و سرفصل براساس چارچوب مشغول‌اند، به مطالعه مقالات و کتاب‌های داخلی و خارجی مشغول‌اند تا در حوزه رشد کودک دروس و محتوای منظم و بر قاعده دانشگاه پیش برود.

همه واقفیم که مهدکودک‌ها و مراکز پیش‌دبستانی کشور با اینکه فکر می‌کنیم کتاب‌های مناسبی داریم که تعداد آن‌ها از کتاب‌های دوره ابتدایی هم بیشتر است، کار خودشان را انجام می‌دهند و کارهایی می‌کنند که کسی مطلع نیست و متناسب

با برنامه خودشان است. این نشان دهنده این است که جاهای مختلف کارهای مختلف انجام می دهند اما تکلیف اینکه مربیان با چه ویژگی هایی کارشان را انجام می دهند، هنوز مشخص نیست.

مجدفر: نظر به اینکه مربیان مقطع پیش دبستانی از نیروهای رسمی آموزش و پرورش محسوب نمی شوند، آیا این فعالیت ها در دانشگاه فرهنگیان منجر به برگزاری دوره و اعطای مدرک برای مربیان خواهد شد؟

خانم قدوسی: بله، به مربیان مدرک با سه درجه شایستگی اعطا خواهد شد. کاری که دفتر پیش دبستان از ما خواست، یکدست کردن مربیان در این حوزه بود تا از یک جایی به بعد، دانشگاه با مدیریت و همکاری مؤسسات خصوصی در این عمل همگام شوند تا دیگر گواهی های متعددی از مربیان و صادرکنندگان این مدارک نداشته باشیم. سپس، براساس این گواهی ها بتوانیم امتیازبندی برای مراکزی با چندین مربی درجه یک داشته باشیم و سازوکارهای انگیزشی را به عهده آن ها بگذاریم.

مجدفر: برنامه توسعه تأسیس رشته پیش دبستانی و مقاطع مختلف آن به چه صورت است؟

خانم قدوسی: زمزمه هایی برای رشته پیش دبستانی تا مقطع کاردانی دانشگاهی شده است اما فعلا فقط دوره های آموزشی کوتاه مدت وجود دارد.

مجدفر: ما در مجله رشد پیش دبستانی تاکنون چهار مقاله در زمینه ویژگی های مربی پیش دبستانی و مطالب علمی بسیاری در این باره داشته ایم. آیا این مقالات هم جزء منابع شما بوده اند؟

قدوسی: ما همه با زبان های مختلف، یک حرف را می زنیم ولی متأسفانه این یکپارچگی و قوه ای که باید وجود داشته باشد، اتفاق نیفتاده است. همه ما به دنبال آموزش های کاربردی و مؤثر هستیم.

مفیدی: در حوزه پیش دبستانی این طور به نظر می رسد که مربیان کار خودشان را انجام می دهند و همان طور که گفتید تکلیف کار هنوز به درستی روشن نیست.

قدوسی: نگرش ها خیلی ضعیف است و با پشتوانه ضعیفی که مربیان ما دارند، قاعدتا انگیزه کار درست انجام دادن را ندارند. این مشکلات باعث می شود مربی نتواند یا نخواهد از همه دوره هایی که دیده و مهارت هایی که کسب کرده است، استفاده کند و انگیزه ای برای رشد پیدا کند.

رضانی: ما مراکزی داریم که سال هاست به آموزش

علاقه مندان به مربیگری مشغول اند و برخی از آن ها به دلیل وصل بودن به یک منبع مطمئن یا فعالیت بلندمدت وجهه ای پیدا کرده اند که گواهی شان تا حدی معتبر است، اما وقتی قرار است این طراحی در آموزش و پرورش انجام شود، باید انتظار دیگری داشت. راهنمای برنامه نکته ممتاز و متمایزش نسبت به بقیه دوره ها این است که قرار است مربی ای را انتخاب و تربیت کند که قدرت انتخاب و تولید محتوا داشته باشد. یک مشکل جدی در این دوره تحصیلی این است که استان هایی که تولید محتوا می کنند، به رغم تمایل دفتر اصرار دارند چیزی را که خودشان تولید کرده اند، به مرکز پیش دبستانی استان خود ببرند که فقط یک بخش از سال را پوشش می دهد و باقی سال مربی با یک تقویم زمانی خالی روبه رو است. سؤالی که برای من ایجاد شده این است که آیا در مجموعه صلاحیت ها این هم دیده شده است؟

قدوسی: در دانشگاه فرهنگیان، یک مربی بر فرض اینکه صلاحیت ها و ویژگی های عمومی استاندارد را داشته باشد و بعد از این بخواهد شایستگی های مربوط به حوزه خودش را داشته باشد تا در نهایت صلاحیت کامل برعهده گرفتن آن شغل را داشته باشد، این اولویت بندی را در سطوح یک، دو و سه خواهیم داشت. گواهی سه مرحله ای یک مسیر را می رود. در درجه سه می خواهیم مربی کارش را درست انجام دهد و به دانش آموز ضربه نزند. در مرحله دو مهارت های پیچیده تر و کارهای سطح بالاتری انجام می دهد و در سطح یک، مربی به حدی باید برسد که آن قدر مسلط باشد که علاوه بر ملاک های مربی سطح سه و دو بتواند تولید محتوا کند و کار نو ارائه دهد.

رضانی: چه خوب است که یک معلم در دوره ابتدایی چنین توانایی هایی داشته باشد؛ چون یک محتوای کلی در سطح کشور وجود دارد و در دوره پیش دبستانی این از واجبات است.

قدوسی: در روند کار یک بخش به اسم توسعه حرفه ای مربی مطرح است؛ به این نحو

قدوسی: ما همه با زبان های مختلف یک حرف را می زنیم



برنامه قرآن در برنامه پیش دبستانی بگویند. مربیان چه توانایی و صلاحیتی باید در این زمینه داشته باشند؟

قدوسی: ما نماینده دفتر پیش دبستان را داریم و در شورای پیش دبستانی ما افراد مدعو نیز هستند و همه می گویند که هویت ملی، سواد قرآنی و تربیت بدنی حتماً باید در برنامه باشد. یکی از مسائل مورد نظر ما در برنامه ریزی این بوده است که برنامه ریزی دروس قرآنی به عنوان یک روش نوین در برنامه ریزی درسی و رویکرد آورده شود. ما خودمان نظریاتی داریم اما از نظریات نمایندگان آن بخش ها هم حتماً استفاده خواهیم کرد.

طاهری: چه تبدیری اندیشیده اید برای افرادی که به این پروژه خوانده شدند و نیامدند؟ آقای دکتر رفیعی مکرر به دوستان گفته اند که به عنوان شخص حقیقی در این پروژه حضور دارند و برایشان سؤال است که چرا دیگر دوستان از دفتر تألیف در این پروژه حضور ندارند.

قدوسی: افراد پیشنهاد شده برای حوزه های مختلف دو نفر بودند که مثلاً از دفتر تألیف، آقای بختیاری به همکاری آمدند و برای فرد دوم از این دفتر کسی را جایگزین نکردیم. این افراد نماینده ما هستند از آن ها خواسته شده که از طرف خودشان

که خودش خودانگیزشی، خودارزیابی از کار و مستندسازی کارهایش، انتقال مستندات به همکاران، ارائه آن ها در مجامع و نهادهای مختلف و شناخت اینکه این را که در کجا چه کارهایی می توان انجام داد، انجام می دهد.

طاهری: برنامه این است که برنامه به سمتی برود که غیر از محتوای ارائه شده، خودش هم دستی بر آتش داشته باشد. در واقع، مربی درجه سه ما مراقب و نگهداری است و باید طوری دیده شود که هر کسی به خودش اجازه مربی شدن ندهد. باید استاندارد را طوری ببینید که مربی سطح سه ما شکل عادی به خودش نگیرد. من نگرانی ام از این است که این سطح بندی ما را به سمت افزایش مربی سطح سه برود که آسیب زنده است و در همین مرحله هم تعداد آن ها زیاد است.

قدوسی: منظور این نبود که در مجموع، مربی سطح سه قرار است این کار را انجام بدهد. منظور این است که در هر سه سطح این هشت شایستگی وجود دارد؛ منتها از حالت ساده به حالت پیچیده می رود و کیفی تر می شود. صلاحیت عمومی، توانایی علمی برای تولید و انتخاب محتوا در هر سه سطح است.

طاهری: در برنامه برای بومی کردن و ایرانی کردن چه کارهایی صورت گرفته است؟ کشور ما سابقه ای طولانی در بحث مؤسسات و ان جی ا (NGO) ها با رویکرد قرآنی و دینی دارد و به همین خاطر، در برنامه موضوع را مستقل دیده است. در برنامه صلاحیت مربی چقدر به این موضوع پرداخته شده است؟ بسیاری مؤسسات از طریق سازمان تبلیغات، وزارت ارشاد و بهزیستی مجوز رسمی برای تأسیس پیش دبستانی می دهند، نوآموز جذب می کنند و مربی با رویکرد قرآنی پرورش می دهند. خبرهای اخیر هم از یکی شدن این دو نهاد و هماهنگ شدن و قوت بیشتر آن ها می گوید. درباره اینکه مربیان ما از سواد قرآنی برخوردار باشند و نگاه مربی به

طاهری:
نگرانی ام
این است که
سطح بندی ما
را به سمت
افزایش
مربی سطح
سه برود که
آسیب زنده
است و در
همین مرحله
هم تعداد
آن ها زیاد
است

صحبتی در این باره نکنند.

طاهری: مجله رشد پیش دبستانی علاوه بر نقش علمی - پژوهشی و اطلاع رسانی نقش هم افزایی و وحدت بخشی و رفع خلأهای موجود از لحاظ هماهنگی را عهده دار شده است. در رابطه با این موضوع که در جاهای مختلف کارهای مختلف انجام می شود، ما در جلسه شورا عنوان کردیم که چرا در بخش های مختلف با اهداف پیش دبستانی ادبیات مختلف وجود دارد. مثلاً دانشگاه فرهنگیان یک ادبیات دارد و مجموعه فنی و حرفه ای آن را به کار نمی گیرد و ... ما در دفتر آموزش پیش دبستان با کمک این مجموعه شش کمیته تشکیل دادیم که: کمیته آموزشی برای مربیان، کمیته هماهنگی، کمیته محتوایی (در مراکز پیش دبستان مورد استفاده قرار می گیرد)، کمیته مشارکت های مردمی، کمیته اجرایی، و کمیته حقوقی که ما به عنوان نماینده دفتر پیش دبستان در این کمیته ها شرکت کردیم. در کمیته آموزش که در حقیقت با مسئولیت دانشگاه فرهنگیان برای آموزش مربیان تشکیل می شود، آقای دکتر موسوی تشریف می آورند که اتفاقاً من سرفصل های آموزشی را که چهار سال پیش برای ۱۴۰ واحد درسی دوره کارشناسی تهیه شده بود و الان مبنای کار شما است، به ایشان دادم. ضمن اینکه در یکی دیگر از کمیته ها خانم فضلوی حضور داشتند که بحث تعیین صلاحیت های مربی در چند فصل تعیین شد و در این راستا ما راهنما در اختیارشان قرار دادیم. پس، این گونه نیست که این جلسات بدون هماهنگی و اطلاع ما باشد اما در روند و پیشرفت کار خلأهایی وجود داشته است که ما چندان مطلع نبوده ایم و بعدها از یادداشت هایی که آقای بختیاری به دفتر آقای امانی ارائه داده بودند، متوجه شدیم که فصول دیگری هم هست. ظاهراً افراد از اطلاع رسانی منع شده بودند، و اما دلیل اینکه می فرمایید همه جا با فکر و اندیشه کار می کنند پس چرا هم افزایی و یک جا نمی شود، این است که ما اطلاعاتمان را در عرصه اطلاع رسانی قرار نمی دهیم اما در همه جای دنیا این اطلاعات در دسترس است.

در حال حاضر ما مشغول بازنگری اهداف هستیم و در بخش های مختلف این راهنما تحویل داده خواهد شد که ان شاء الله هر کدام از نمایندگان تشریف بیاورند، می توانند این راهنما را از سرمنشأ اطلاعات داشته باشند. نکته بعدی در رابطه با پژوهش هاست که علاوه بر آنچه در سند تحول مطرح شد، ما جز منابع موجود که خیلی از آن ها توسط شما منتشر شده است (ونتاکوی، تاک، پیام نور و...)، پژوهش هایی هم سفارش داده ایم که از جمله آن ها می توان به پژوهش درباره انس با قرآن که اشاره کرد که در ۴۰۰ صفحه و بسیار مفصل است و خانم دکتر شعبانی زحمت آن را کشیده اند. این گونه نیست که بدون پژوهش و بدون توجه کار پیش برود. نکته آخر اینکه ما با طیف وسیعی از نظرات از صفر تا صد مواجهیم؛ عده ای می گویند

که استانداردسازی و چارچوب باشد؛ شبیه کلاس های درسی که طی بازدیدهای استانی در مراکز پیش دبستانی می دیدیم. عده ای هم موافق اند که باید این دوره رها از چارچوب باشد. ما در طیف خاکستری در حرکت هستیم و تعادل به خرج می دهیم تا دوره پیش دبستانی به طور نسبی، نه تجویزی کامل نه غیر تجویزی کامل، باشد. اهداف و برنامه در چارچوب مشخص شده و در اختیار استان ها، مناطق و مربیان قرار گرفته است. مربیان در سطح چهار تولید محتوای ما قرار دارند. ما چهار سطحی هستیم. محتوای متمرکز داریم که نمونه هایی انجام داده ایم و بسته آموزشی که مورد انتظار دفتر است، در انتشارات مدرسه مراحل نهایی تولید را طی می کند. یک مرحله تولید محتوا توسط استان ها و مرحله دیگر توسط مناطق و شهرستان هاست و مرحله آخر تولید محتوا توسط مربیان است که مربیان ما باید هر چه بیشتر به این توانایی برسند.

ایجاد نگرش های صحیح در ذهن مسئولان و کارگزاران هم مسئله ای است که با تفکر آقای فانی امیدواریم کلیدش از مهرماه زده شود و کار به خوبی پیش برود.

در پایان این جلسه، دکتر مفیدی ضمن تشکر از اعضای حاضر و با توجه به بحث های شکل گرفته، اظهار امیدواری کرد که هماهنگی در اطلاع رسانی و استفاده از منابع معتبر علمی و پژوهشی مستند در آینده بتواند ابهام و سردرگمی برنامه ریزان و مربیان را که در حقیقت کارگزاران حوزه های پیش دبستانی هستند، کاهش دهد.

مرتضی طاهری

طاهری:
در حال حاضر ما مشغول بازنگری اهداف هستیم و در بخش های مختلف این راهنما تحویل داده خواهد شد

